پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

فرایندگی شکفتها و نابسامانیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان در زمانی خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داده که امضاءکنندگان زیر بنابر وظیفه ملی و دینی در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و در کلیت کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم لازم و مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از "منویات ملوکانه" داشته باشد نمیشناسیم و در جائیکه تمام امور مملکت از طریق صدور فرمانها انجام میشود و انتصاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب در کف اقتدار شخص اعلیحضرت قرار دارد که همه اختیارات و اقتدارها و سپاسها و بنابراین مسئولیتها را منحصر و متوجه به خود فرموده اند، این مشروحه را علیرغم خطرات سنگین تقدیم حضور مینمائیم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر طرف در لبه های پرتگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن بست کشیده، نیازمندیهای عمومی بخصوص خواروبار و مسکن با قیمتهای تصاعدی بی نظیر دچار نایابی گشته، کشاورزی و دامداری رو به نیستی گذارده، صنایع ملی و نیروهای انسانی در بحران و تزلزل افتاده، ترازبازرگانی کشور و بازپرداختها در صادرات و واردات وحشت آور گردیده، تمامت این میراث گرانبهای خداداد بشدت تبذیر شده، برنامه های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونتهای پلیسی به حد اکثر رسیده و رواج فساد و فحشاء و تملق فضیلت بشری در اخلاق ملی را به تباهی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع، قیام با وعده ها و ادعاهای پایان ناپذیر و گزافه گوئیها و تبلیغات و تحمیل جشنها و تظاهرات نارضائی و نومیدی عمومی و ترک وطن و خروج سرمایه ها و عصیان نسل جوان شده که عاشقانه داوطلب زندان و شکنجه و مرگ میگردند و دست بکارهائی نمیزنند که دستگاه حاکمه آنرا خرابکاری و خیانت و خود آنها فداکاری و شرافت مینامند.

اینهمه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر باید مربوط به طرز مدیریت مملکت دانست، مدیریتی که بر خلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاهنشاهی پیدا کرده است.

در جائیکه "نظام شاهنشاهی" خود برداشتی کلی از نهاد اجتماعی حکومت در پهنه تاریخ ایران میباشد که با انقلاب مشروطیت دارای تعریف قانونی گردیده و در قانون اساسی و متمم آن عنوان "حقوق سلطنت" بروی گوچکترین ابهامی نیافتاده و "قوای مملکت ناشی از ملت" و "شخص پادشاه از مسئولیت مبری" شناخته شده است.

در روزگار کنونی و موقعیت جغرافیائی حساس کشور ما اداره امور چنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استمداد از همکاری صمیمانه تمام نیروهای مردم در محیطی آزاد و قانونی و با احترام به شخصیت انسانها امکان پذیر میشود.

این مشروحه سرگشاده به مقامی تقدیم میگردد که چهل سال پیش در دانشگاه ها روا دارد فرموده اند "نتیجه تجاوز به آزادیهای فردی و عدم توجه به احتیاجات روحی انسانها ایجاد سرخوردگی است و افراد سرخورده راه منفی پیش میگیرند تا از نقاط ضعف را با همه مقررات و سنن اجتماعی قطع کنند و تنها وسیله رفع این سرخوردگیها احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمان به این حقیقت است که انسانها بهم مساوی نیستند و بلکه مساوی نیستند در سرنوشت افراد مملکت است"

و نیز به بازرگان در مشهد مقدس اعلام فرموده اند: "رفع عیب به وسیله منبت تر نمی شود بلکه بوسیله جهاد اجتماعی میتوان علیه فساد مبارزه کرد".

بنابراین تنها راه بازگشت در شدن ایران و شخصیت نفسی و همکاری ملی و خلاصی از شکنجه ها و دشواریهائی که آینده ایران را تهدید میکند ترک حکومت استبدادی، تکیه مطلق به اصول مشروطیت، احترام حقوق ملت، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انحراف از حزب واحد، آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول اداره مملکت بداند.

۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۶

دکتر کریم سنجابی — دکتر شاپور بختیار — داریوش فروهر